

فساد مالی و اشتغال زنان در کشورهای منتخب

سعید کریمی پتانلار*

محمدتقی گیلک حکیم آبادی**، زهرا نباتی***

چکیده

آثار مخرب فساد مالی موجب شده است تا شناسایی راه کارهای مقابله و کنترل آن همواره مورد توجه محققین باشد. در این راستا در مقاله حاضر تلاش می‌شود تا تأثیر اشتغال زنان در بخش عمومی بر فساد مالی مورد بررسی قرار گیرد. برای این منظور با استفاده از داده‌های آماری ۴۵ کشور منتخب شامل ایران طی دوره زمانی ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۳ تأثیر سهم نسبی اشتغال زنان در کل اشتغال بخش عمومی همزمان با دیگر متغیرهای تأثیرگذار از جمله حاکمیت قانون، درجه باز بودن و تولید ناخالص داخلی سرانه بر متغیر وابسته فساد مالی مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

نتایج حاصل از برآورد الگو به روش اقتصادسنجی داده‌های تابلویی منعکس می‌کند که در پی افزایش سهم نسبی اشتغال زنان در کل اشتغال بخش عمومی، فساد مالی کاهش می‌یابد. این به مفهوم تأیید فرضیه تحقیق حاضر است. بنابراین به عنوان یک راهکار برای مقابله و کنترل فساد افزایش سهم نسبی اشتغال زنان در بخش عمومی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که تأثیر درجه باز بودن اقتصاد بر شاخص فساد مالی منفی و تأثیر تولید ناخالص داخلی سرانه و حاکمیت قانون بر آن مثبت و معنی‌دار است و کاهش فساد را در پی دارد.

کلیدواژه‌ها: اشتغال زنان، فساد مالی، داده‌های تابلویی.

طبقه‌بندی JEL: J16, D73, C23

* دانشیار دانشگاه مازندران - بابلسر، دانشکده علوم اقتصادی و اداری (نویسنده مسئول)، s.karimi@umz.ac.ir

** دانشیار دانشگاه مازندران - بابلسر، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، Mgilak@umz.ac.ir

*** کارشناس ارشد دانشگاه مازندران - بابلسر، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، maryamnabati046@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۳/۲۸

۱. مقدمه

نقش شغل در پویایی زندگی و رفاه بشر انکارناپذیر است و می‌توان آن را کانون ارتباط انسانی و اجتماعی تلقی نمود. از طریق شغل است که بهره‌گیری درست و منطقی از توانایی و استعداد های افراد، امکان‌پذیر می‌شود و در واقع این شغل است که در همه جوامع اساس نظام اقتصادی را تشکیل می‌دهد (گیدنز، ۱۳۸۷).

به گفته ویل دورانت کار و تلاش زنان مبدأ پیدایش کشاورزی است (ریاحی، ۱۳۸۳) و از آغاز زندگی اجتماعی انسان، زنان نقش مهمی در رشد و توسعه جوامع بشری داشته‌اند. با وقوع انقلاب صنعتی در اروپا تحولات اساسی در شکل و مفهوم کار به وجود آمد و فعالیت اقتصادی زنان در مقابل دریافت مزد از خانه به کارخانه کشیده شد. از آن زمان به بعد زنان با تحصیل علم در سطوح بالاتر، علاوه بر فعالیت‌های تولیدی و کارخانه‌ای، در سایر زمینه‌ها و در پست‌های گوناگون مشغول به کار شدند (سفیری، ۱۳۸۰).

زنان یکی از مهم‌ترین گروه‌های اجتماعی متأثر از کیفیت زندگی و در عین حال مؤثر بر آن می‌باشند و نقش تعیین‌کننده‌ای در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی دارند. به‌طوریکه فعالیت‌های آنان در تسریع توسعه اقتصادی مؤثر و تعیین‌کننده می‌باشد. به همین دلیل کشورهایی که در مسیر توسعه قرار دارند؛ به این امر مهم پی برده‌اند که ضرورت ایجاد جامعه سالم به وجود زنان فعال و مؤثر در جامعه بستگی دارد.

با این حال با نگاهی به اجتماع، قوانین، سنت و عرف اجتماعی در می‌یابیم که نگرش حاکم، مرد را نان آور تلقی می‌نماید و مشارکت و فعالیت اقتصادی زنان را کمتر مورد توجه قرار می‌دهد. همچنین نتایج مطالعات و پژوهش‌های گوناگون نشان می‌دهد که شرایط و وضعیت اشتغال زنان در جهان نامناسب و نامتعادل است و نیازمند به انجام تغییرات می‌باشد. از دهه ۱۹۷۰ میلادی با قوت گرفتن تحلیل‌های جنسیتی در مباحث اقتصادی، ساختار جنسیتی نیروی کار دچار تغییرات گردید و حضور زنان در شرایط متفاوت (کوتاه مدت و بلندمدت) و در سطوح مختلف (مدیریت بنگاه، نماینده مجلس و سهم نیروی کار) در فعالیت‌های اقتصادی پررنگ تر شد (دلار و همکاران، ۲۰۰۱: ۴۲۹-۴۲۳).

همزمان با ورود و بیان تفاوت‌های مسائل زنان در مقابل مردان در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی شاهد اولین آثار نظری و بررسی‌های تجربی درباره فساد بوده‌ایم (فاضلی، ۱۳۸۸). امروزه تقریباً در تمام نقاط جهان مسأله فساد در شکل‌های مختلف آن به چشم می‌خورد (حامد عسکری منش، ۱۳۹۱). به طوری که در مستندات تاریخی آمده است فساد

مالی پدیده‌ای است که قدمت آن در جوامع بشری به بیش از دو هزار سال پیش می‌رسد (تانزی، ۱۹۹۸: ۵۹۴-۵۵۹) و عارضه‌ای است که اغلب از کنش متقابل دولت و اقتصاد بازار سرچشمه می‌گیرد (شقایقی شهری، ۱۳۸۸).

فساد مالی مفهوم پیچیده‌ای است که تعاریف متعددی از آن بعمل آمده است. جامع‌ترین تعریف در این زمینه توسط روز-آکرمن ارائه شده است. در این تعریف فساد مالی به صورت سوءاستفاده از قدرت عمومی برای کسب منفعت شخصی، حزبی و یا جناحی عنوان شده است (اریک، ۲۰۰۸).

فساد مالی در تمام ادوار تاریخ مشکلات اساسی را برای جوامع ایجاد نموده است و ریشه‌های آن تکیه بر نابرابری اقتصادی و عدم وجود اعتماد کافی بین اعضای جامعه دارد. زیرا نابرابری اقتصادی، عدم وجود اعتماد کافی بین افراد جامعه و فساد همواره همزمان ظاهر شده است. به عبارت دیگر، نابرابری اقتصادی به اعتماد کمتر، اعتماد کمتر به فساد بیشتر و فساد بیشتر به نابرابری شدیدتر منجر شده است. بدین ترتیب جامعه در تله نابرابری (Inequality Trap) گرفتار شده است همچنین فساد مزیت و یا امتیازی را در اختیار برخی اشخاص قرار می‌دهد که دیگران از آن محروم‌اند و موجب می‌شود تا منابع از اکثریت عموم مردم به افراد خاص انتقال یابد. این انتقال منابع عموماً از فقرا به ثروتمندان می‌باشد (اریک، ۲۰۰۸: ۲۴).

فساد مالی به کشور خاصی اختصاص ندارد و در تمام کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته در ابعاد مختلف وجود دارد (سامتی و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۱۰-۸۹). همچنین فساد مختص دوره خاصی از تاریخ سیاسی جهان نبوده است. هرچند اشکال گوناگون فساد مالی طی دوران مختلف تغییر یافته است، اما در تمام نظام‌های حکومتی وجود داشته است (حبیبی، ۱۳۷۵).

مقاله حاضر در ۶ بخش تنظیم شده است. پس از مقدمه در بخش دوم علل، آثار و معیارهای سنجش فساد مالی ارائه می‌شود. بخش سوم به مبانی نظری موضوع پژوهش اختصاص دارد. در بخش چهارم مطالعات تجربی مرور می‌گردد. در بخش پنجم معرفی و برآورد الگو و تفسیر نتایج انجام می‌شود. در نهایت در بخش پایانی نتیجه‌گیری و پیشنهادات منعکس می‌گردد.

۲. علل، آثار و معیارهای سنجش فساد مالی

مانند سایر کالاها و خدمات، فساد مالی نیز تحت تأثیر طرف تقاضا و طرف عرضه آن قرار دارد. در طرف تقاضا، اقدامات مالی فاسد و نادرست تابعی از عواملی از جمله: تنظیمات و اختیارات دولتی، ساختار نظام مالیاتی، تصمیمات پیرامون مخارج دولتی (مخارج عمرانی، مخارج جاری و اندازه دولت) و عرضه کالاها و خدمات دولتی زیر قیمت بازار می‌باشد. در حالیکه عرضه آن به عواملی مانند: سطح دستمزدها در بخش عمومی، نظام حقوقی، نحوه برخورد با فساد، نظارت نهادی (Institutional Controls)، شفافیت (Transparency) و قوانین و مقررات بستگی دارد (هیلمن، ۲۰۰۴: ۱۰۷۷-۱۰۶۷)، (تانزی، ۱۹۹۸: ۵۹۴-۵۵۹).

در مجموع می‌توان عوامل مؤثر بر فساد مالی را به دو گروه مستقیم و غیر مستقیم تقسیم بندی نمود. عواملی که مستقیماً فساد مالی را تحت تأثیر قرار می‌دهند به اختصار به شرح زیر می‌باشند (تانزی، ۱۹۹۸: ۵۹۴-۵۵۹):

- تنظیمات و اختیارات دولتی: در بسیاری از کشورها به ویژه کشورهای در حال توسعه انجام فعالیت‌های اقتصادی نیاز به اخذ و صدور مجوزهای لازم از طرف بخش دولتی دارد. صدور این مجوزها یک قدرت عمومی (Public Power) در اختیار کارکنان دولت قرار می‌دهد که می‌تواند به‌طور نادرست مورد بهره‌برداری قرار گیرد. همچنین سایر تصمیمات تبعیض‌آمیز در حوزه‌های مختلف مانند تجارت خارجی و خصوصی سازی می‌تواند فساد را گسترش دهد. وجود منابع طبیعی سرشار می‌تواند عاملی دیگری در ایجاد فساد نیز باشد (دل‌مونت و پاپاگنی، ۲۰۰۷: ۳۹۶-۳۷۹).
- مالیات‌ها: عدم وجود شفافیت در قوانین و مقررات مالیاتی و پیچیدگی آنها، عاملی است که مستقیماً سطح فساد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین، طولانی شدن فرآیند تعیین بدهی مالیاتی، مراجعه مستقیم مؤدی به مأمورین مالیاتی جهت تشخیص و تعیین میزان بدهی مالیاتی، پایین بودن سطح دستمزدها در اداره مالیات و عدم برخورد جدی با مأمورین متخلف مالیاتی به فساد دامن می‌زند (تانزی و داوودی، ۲۰۰۰).
- تصمیم‌گیری پیرامون مخارج دولتی: هرگاه انتخاب پروژه‌های عمرانی بر اساس منافع حزبی و یا گروهی باشد و معیارهای اقتصادی مورد توجه قرار نگیرد، کارایی مخارج دولت کاهش و فساد مالی گسترش می‌یابد.

- عرضه کالاها و خدمات عمومی زیر قیمت بازار: در بسیاری از کشورها دولت‌ها به دلایل مختلف به عرضه کالاها و خدمات زیر قیمت تعادلی مبادرت می‌کنند که این موجب تقاضای اضافی می‌گردد. وجود تقاضای اضافی می‌تواند زمینه مساعدی برای دریافت رشوه توسط عرضه کنندگان این گروه از کالاها و خدمات را فراهم سازد.

عواملی که به طور غیر مستقیم فساد مالی را تحت تأثیر قرار می‌دهند شامل: کیفیت بروکراسی، برخورد نظام حقوقی با مرتکبین فساد، نظارت‌های نهادی، شفافیت و سطح دستمزدها در بخش دولتی می‌باشد.

وسعت و گستردگی آثار مخرب فساد مالی به درجه و سطح توسعه‌یافتگی اقتصاد ملی بستگی دارد. فساد مالی در ابتدا با کاهش انگیزه انجام سرمایه‌گذاری، مانع رشد اقتصادی می‌شود و آن را کاهش می‌دهد (اورنسل، ۲۰۰۹). سپس با ایجاد تغییر ساختار مخارج دولت از افزایش رشد جلوگیری می‌کند. در واقع فساد مالی از مسیرهای مختلف رشد اقتصادی را تضعیف می‌کند. این معضل اجتماعی با ایجاد انحراف در تخصیص منابع و انگیزه‌ها از گسترش مکانیزم بازار جلوگیری می‌کند. همچنین، تضعیف حقوق مالکیت و عدم تضمین منافع ناشی از مفاد قراردادها را به همراه دارد و به ضرر بنگاه‌های کوچک عمل می‌کند، با توجه به نقش تعیین‌کننده بنگاه‌های کوچک در رشد اقتصادی این پدیده نامطلوب به فرآیند رشد لطمه وارد می‌سازد. گسترش فقر از طریق وسعت یافتن فساد مانع دیگری است که در مقابل رشد اقتصادی قرار می‌گیرد. ضمناً فساد مالی کارایی زیرساخت‌ها و مخارج دولتی را کم می‌کند و از سطح مخارج دولتی در حوزه‌های آموزشی و بهداشتی می‌کاهد. این موضوع لطمه مهمی بر رشد اقتصادی وارد می‌کند (تانزی، ۱۹۹۸)، (ماورو، ۱۹۹۸: ۲۷۹-۲۶۳)، (دل‌مونت و پاپاگنی، ۲۰۰۱: ۱۶-۱).

فساد مالی کاهش درآمدهای مالیاتی دولت را در پی دارد و با انتقال فعالیت‌ها به اقتصاد زیرزمینی موجب فرار مالیاتی و افزایش هزینه جمع‌آوری مالیات‌ها می‌شود. بنابراین می‌تواند به کسری‌های بیشتر در بودجه دولت به‌انجامد و پیامدهای تورمی ناشی از کسری بودجه دولت را تقویت کند (المرحوبی، ۲۰۰۰: ۲۰۲-۱۹۹).

فساد مالی به کاهش پس‌اندازهای ملی می‌انجامد (سوالهین، ۲۰۰۸: ۱۳۰۱-۱۲۸۵). از طرف دیگر فساد مالی اثر منفی بر توزیع درآمد دارد و تأثیر آن به درجه توسعه‌یافتگی اقتصاد وابسته است (گوپتا و همکاران، ۱۹۹۸).

یکی از مشکلات در زمینه مطالعه فساد، مسأله سنجش و اندازه‌گیری آن می‌باشد و در بسیاری از موارد ماهیت پنهانی فساد موجب می‌شود تا این پدیده از دید دولت مخفی بماند. در واقع عدم وجود معیارها و شاخص‌های علمی و ماهیت پنهان فساد از موانع اصلی برای توسعه ادبیات علمی و کاربردی در این زمینه می‌باشد. علی‌رغم مشکلات مربوط به اندازه‌گیری فساد مالی، در ادامه به تلاش‌های به عمل آمده در خصوص اندازه‌گیری فساد توسط سازمان‌ها و نهادهای مختلف اشاره می‌شود:

۱.۲ بارومتر جهانی فساد (Global Corruption Barometer)

پیمایش بارومتر جهانی فساد به سفارش موسسه بین‌المللی شفافیت و توسط موسسه گالوپ انجام می‌شود. به طور کلی می‌توان اشاره داشت که بارومتر جهانی فساد تنها نظرسنجی افکار عمومی در زمینه درک فساد و تجربه آن می‌باشد و نتایج حاصل از این شاخص، معیاری برای سنجش موفقیت تلاش‌های ضد فساد دولت‌ها در سراسر جهان به شمار می‌رود (مؤسسه بین‌المللی شفافیت).

۲.۲ شاخص رشوه‌دهندگان (Bribe Payer Index: BPI)

این شاخص ابزار جدیدی است که بر اساس آن می‌توان پیش‌بینی‌هایی در مورد وضعیت آینده رشوه بدست آورد. حداکثر امتیاز عددی شاخص ده و حداقل امتیاز آن صفر می‌باشد که به ترتیب نشانگر حداقل و حداکثر وضعیت از لحاظ پرداخت رشوه در یک کشور می‌باشد. شاخص رشوه‌دهندگان برخلاف شاخص ادراک فساد طرف تقاضای فساد را اندازه‌گیری می‌کند.

۳.۲ شاخص راهنمای ریسک بین‌المللی کشورها (ICRG: International Country Risk Guide)

این شاخص از سال ۱۹۸۰ منتشر می‌شود و مجموعه‌ای از سه زیر شاخص ریسک سیاسی، ریسک اقتصادی و ریسک مالی می‌باشد. دامنه این شاخص بین صفر تا شش است که مقدار صفر نشان دهنده سطح فساد بیشتر و مقدار شش دلالت بر سطح فساد کمتر دارد (کو و سمجدر، ۲۰۱۰).

۴.۲ شاخص درک فساد (Corruption Perception Index:CPI)

معروف‌ترین و کاربردی‌ترین شاخص در زمینه اندازه‌گیری فساد می‌باشد که از سال ۱۹۹۵ توسط سازمان بین‌المللی شفافیت (Transparency International:TI) تهیه می‌شود. این شاخص حاصل نظرسنجی‌ها و پیمایش‌های گوناگون است. دامنه این شاخص بین صفر و ده می‌باشد و با کاهش مقدار شاخص، فساد افزایش می‌یابد (سازمان شفافیت جهانی).

۵.۲ شاخص کنترل فساد (Control of Corruption Index:CCI)

شاخص کنترل فساد به عنوان یکی از شش مولفه حکمرانی خوب مطرح می‌باشد. دامنه این شاخص از ۲.۵- تا ۲.۵+ است که اعداد بیشتر نمایانگر فساد کمتر و اعداد کمتر بیانگر فساد بیشتر می‌باشد (برنامه توسعه سازمان ملل متحد، ۲۰۰۸).

۶.۲ شاخص گزارش رقابت‌پذیری جهانی (Control of Corruption Index:GCR)

مبنا در این شاخص، مقادیر به دست آمده از پاسخ‌های مدیران بنگاه‌های اقتصادی است. این شاخص میزان پرداخت‌های اضافی خلاف قانون برای اخذ مجوز صادرات و واردات، تشخیص و تعیین مالیات و دریافت وام را مشخص می‌کند. مقدار این شاخص بین یک و هفت می‌باشد. هرگاه این شاخص به سمت یک میل پیدا کند بدین مفهوم است که پرداخت‌های اضافی خلاف قانون در آن اقتصاد افزایش می‌یابد.

با توجه به پیامدهای مخربی که فساد مالی بر جامعه وارد می‌کند، شناسایی و به کارگیری ابزارها و عوامل کنترل و مقابله با آن یکی از ضروریات محسوب می‌شود. در این راستا در پژوهش حاضر با استفاده از داده‌های آماری ۴۵ کشور طی دوره زمانی ۲۰۱۳-۲۰۰۲ به روش داده‌های تابلویی تأثیر تفکیک جنسیتی اشتغال در بخش عمومی بر فساد مالی مورد توجه می‌باشد و فرضیه تحقیق به صورت "با افزایش سهم نسبی اشتغال زنان در بخش عمومی فساد مالی کاهش می‌یابد" معرفی می‌شود. در صورتیکه تأیید شود نوع جنسیت اشتغال در بخش عمومی در کنترل فساد مؤثر می‌باشد این مهم می‌تواند جهت مقابله با فساد مالی در سیاست‌گذاری‌های بخش عمومی مورد توجه واقع شود.

۳. مبانی نظری

دلایلی وجود دارد که نشان می‌دهد افزایش سهم نسبی اشتغال زنان در کل اشتغال بخش عمومی می‌تواند به کاهش فساد منجر شود.

با توجه به اینکه فساد مالی یک پدیده مخاطره‌آمیز می‌باشد و انجام آن نیازمند پذیرش ریسک است، لذا در این حوزه افرادی ورود پیدا می‌کنند که از ویژگی ریسک‌پذیری بالا برخوردار باشند. طبق نتایج به‌دست آمده از مطالعات تجربی گروه زنان نسبت به مردان از توان ریسک‌پذیری کمتری برخوردارند (دلار و همکاران، ۲۰۰۱) از آنجا که فعالیت‌های فساد و نادرست همواره با خطر برملا شدن و مجازات روبرو است، زنان، کمتر به انجام فعالیت‌های رانت‌جویانه ترغیب می‌شوند (ریواس، ۲۰۱۳: ۴۲-۱۰).

بر اساس نتایج تحقیقات انجام شده، زنان به نقش اجتماعی خود اهمیت بیشتری قائل هستند و ترس آنان برای از دست دادن این جایگاه بیش از مردان می‌باشد. با توجه به نظریه نقش اجتماعی (Social Role Theory) رفتار افراد متأثر از ۳ عامل است.

الف) تعریف فرد از رفتار، مناسب با جایگاه اجتماعی که در آن قرار گرفته است.

ب) تصور فرد از انتظارات دیگران از او و جایگاه اجتماعی‌اش.

ج) احساس فرد نسبت به فشاری که نقش اجتماعی به او وارد می‌کند و ترس از اینکه مطابق انتظار دیگران، عمل نکند.

به همین دلیل زنان، کمتر مرتکب فساد می‌شوند، تا احتمال خدشه‌دار شدن نقش اجتماعی آنها کاهش یابد (الحسن الولو، ۲۰۰۷: ۲۳۷-۲۲۷).

دلیل دیگری که عنوان می‌شود، این است که زنان نسبت به مردان دیرتر وارد بازار کار و سیاست شده‌اند. به دلیل این حضور با تأخیر است که آنان هنوز با شبکه‌های فساد و نحوه انجام آن آشنایی کامل ندارند. در نتیجه کمتر وارد گروه‌ها و شبکه‌های فساد مالی و اداری شده‌اند (ریواس، ۲۰۱۳).

طبق نظریه "ارتباط گوناگون و فرصت‌ها" (Different Association and Opportunities

theory) حضور بیشتر مردان در جامعه و بازار کار علت بروز و انجام فساد بیشتر در بین مردان در مقایسه با زنان است. این نظریه بیان می‌کند افرادی که با فرصت‌های انجام فساد بیشتری مواجه هستند بیش از افرادی که کمتر در معرض فرصت و پیشنهاد فساد قرار دارند، بیشتر مرتکب فساد می‌شوند. در نتیجه، مردان بیشتر با فرصت‌های انجام فساد رو

به رو هستند (جعفری صمیمی و حسینمردی، ۱۳۹۰). همچنین زنان بیشتر در عرصه‌هایی فعالیت می‌کنند که نوع بازار فرصت‌های مناسبی برای انجام فساد فراهم نمی‌کند. به عنوان مثال در فعالیت‌های دفتری و خدماتی مانند معلمی، بیشتر از نیروی کار زن استفاده می‌شود (شربتیان، ۱۳۸۷: ۹۵-۸۵). در نتیجه زنان با توجه به مشاغلی که در آن فعالیت می‌کنند، کمتر در معرض فرصت انجام فساد هستند.

کم بودن فرصت‌های شغلی زنان از دیگر دلایلی است که منجر به شرکت کمتر زنان در فعالیت‌های رانت جویانه می‌شود. در واقع موانع گوناگونی در سر راه اشتغال زنان در عرصه‌های مختلف اقتصادی وجود دارد که هر کدام بنا به دلایلی فرصت‌های شغلی آنان را کاهش می‌دهد.

با توجه به ریسک پذیری کمتر، اهمیت قائل شدن به نقش اجتماعی، فرصت‌های شغلی کمتر، ورود با تأخیر به بازار کار و نوع بازاری که زنان در آن شاغل هستند می‌توان عنوان نمود که مشارکت بیشتر زنان در کل اشتغال بخش عمومی به عنوان یک ابزار در کنترل فساد ممکن است مؤثر باشد.

۴. مطالعات تجربی

در این بخش از مقاله مرور مختصر مطالعات تجربی ارائه می‌شود:

دلار و همکاران (۲۰۰۱)، در مقاله‌ای با عنوان "آیا زنان واقعاً جنس منصفی هستند؟ فساد و زنان در دولت" تأثیر مشارکت زنان در مجلس قانون گذاری را بر فساد مالی مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج حاصل از استفاده از داده‌های آماری سال‌های ۱۹۸۵-۱۹۹۵ برای یک نمونه شامل ۱۰۰ کشور حکایت از آن دارد که با افزایش نسبت زنان در مجلس قانون‌گذاری فساد مالی کاهش می‌یابد. همچنین افزایش مشارکت زنان باعث افزایش سطح تحصیلات، گسترش آزادی اقتصادی و کاهش رفتارهای غیر اخلاقی می‌شود.

سوامی و همکاران (۲۰۰۱)، در پژوهشی تحت عنوان "جنسیت و فساد" از داده‌های ۹۳ کشور برای سال‌های ۱۹۸۲-۱۹۹۷ استفاده نموده‌اند. نتایج برآورد روش داده‌های تابلویی بیانگر رابطه منفی بین درصد مشارکت زنان و سطح فساد می‌باشد.

ریواس (۲۰۱۳)، در پژوهشی میدانی در دانشگاه اتونومای بارسلون تلاش کرده است تا با قرار دادن زنان و مردان در شرایط مشابه و ثابت نگه داشتن سایر شرایط این فرضیه که «

زنان در موقعیت و سطح برابر با مردان، کمتر مرتکب فساد می شوند»، را مورد بررسی قرار دهد. نتایج به دست آمده از روش تئوری بازی‌ها نشان می‌دهد که ۶۵٪ زنان پیشنهاد رشوه به کارکنان ادارات می‌دهند، در حالی که این نسبت در مردان ۸۰٪ است همچنین زنان به طور میانگین از عدد ۱۰ تنها ۲۶۰ را به پرداخت رشوه اختصاص می‌دهند ولی مردان ۴۷۲ را به طور متوسط برای پرداخت رشوه در نظر می‌گیرند. در نهایت ریواس تأکید می‌کند که زنان در یک رابطه خطی، کمتر از مردان مرتکب فساد می‌شوند و افزایش مشارکت زنان در فعالیت‌های گوناگون می‌تواند به صورت یک سیاست ضد فساد عمل کند.

میشالووا و ملنیکوشکا (۲۰۰۹)، در مطالعه‌ای به تأثیر افزایش مشارکت زنان در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در راه مبارزه با فساد پرداختند. نتایج مطالعه مربوط به نمونه ۲۸ کشور برای سال ۲۰۰۸ حکایت از آن دارد که با افزایش سهم حضور زنان در مجلس قانون گذاری و بازار کار فساد مالی کاهش می‌یابد. همچنین بین شاخص قدرت اختیار و فساد رابطه منفی وجود دارد که بدین معناست هر چه شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی زنان و مردان برابرتر شود، فساد مالی کاهش می‌یابد.

جعفری صمیمی و حسینمردی (۲۰۱۱) در مطالعه‌ای با عنوان "تأثیر جنسیت بر فساد مالی" رابطه بین مشارکت زنان در مجلس و بازار کار را بر فساد مالی در یک نمونه شامل ۲۵ کشور منتخب توسعه یافته طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ مورد بررسی قرار می‌دهند. نتایج حاصل از روش داده‌های تابلویی وجود رابطه منفی بین اشکال مختلف مشارکت زنان و فساد را تأیید می‌کند.

برین و همکاران (۲۰۱۵) در مطالعه‌ای با عنوان "زنان و فساد در بازار کار" به دنبال یافتن پاسخ به این سوال هستند که آیا زنان در بازار کار کمتر مرتکب به فساد می‌شوند. آنها به منظور یافتن پاسخ به این سوال از داده‌های آماری ۱۰۵ کشور استفاده نمودند. نتایج حاصل از روش داده‌های تابلویی حکایت از این دارد که زنان در بازار کار رشوه کمتری پرداخت می‌کنند و رابطه منفی بین مشارکت زنان در بازار کار و فساد وجود دارد. همچنین زنان هنگامی که در سطوح بالای مدیریتی حضور دارند کمتر در معرض انجام فساد قرار می‌گیرند.

۵. روش پژوهش، برآورد الگو و تفسیر ضرایب

در مطالعه حاضر فساد مالی تابعی از سهم نسبی اشتغال زنان در کل اشتغال بخش عمومی و بردار Z_i که متغیرهای کنترلی را شامل می‌شود در نظر گرفته شده است:

$$Cpi_{it} = f(Emfp_{it}, Z_i) \quad (۱-۵)$$

جهت بررسی تأثیر اشتغال زنان در بخش عمومی بر فساد مالی الگوی پژوهش به صورت زیر تصریح می‌شود:

$$Cpi_{it} = \beta_0 + \beta_1 Emfp_{it} + \beta_2 Rul_{it} + \beta_3 Op_{it} + \beta_4 Dev_{it} \quad (۲-۵)$$

که در آن

Cpi_{it} ، متغیر وابسته شاخص درک فساد کشور i در سال t است که داده‌های مربوط به آن از پایگاه اطلاعاتی سازمان شفافیت جهانی استخراج شده است. همانطوریکه قبلاً اشاره شد دامنه این شاخص بین ۰ و ۱۰ می‌باشد و با کاهش مقدار شاخص، فساد افزایش می‌یابد.

$Emfp_{it}$ ، معرف سهم اشتغال زنان در بخش عمومی در کشور i در سال t است که به صورت نسبت اشتغال زنان در بخش عمومی به کل اشتغال در این بخش اندازه‌گیری می‌شود. داده‌های مربوط به این متغیر از پایگاه اطلاعاتی سازمان بین‌المللی نیروی کار (International Labor Organisation) استخراج شده است.

Dev_{it} ، تولید ناخالص داخلی سرانه کشور i در زمان t می‌باشد که به عنوان شاخص توسعه در نظر گرفته شده است و انتظار می‌رود تأثیر منفی بر فساد داشته باشد، به عبارتی با افزایش درجه توسعه‌یافتگی فساد کاهش می‌یابد. داده‌های مورد نیاز از پایگاه اطلاعاتی بانک جهانی (World Bank) تأمین شده است.

Rul_{it} ، حاکمیت قانون در کشور i برای سال t می‌باشد که یکی از شش شاخص حکمرانی خوب را تشکیل می‌دهد. داده‌های این متغیر در پایگاه اطلاعاتی بانک جهانی ارائه شده است. نتایج حاصل از مطالعات مختلف نشان می‌دهد که میان حاکمیت قانون و سطح فساد در کشورها رابطه معکوس وجود دارد.

$Open_{it}$ ، درجه باز بودن اقتصاد کشور i در زمان t است که به صورت سهم نسبی مجموع واردات و صادرات به تولید ناخالص داخلی است. بالا بودن این سهم منعکس

می‌کند که موانع کمتری در خصوص تجارت خارجی وجود دارد. داده‌های مورد نیاز از پایگاه اطلاعاتی بانک جهانی استخراج شده است.

به منظور جلوگیری از بروز رگرسیون کاذب ابتدا پایایی متغیرها مورد آزمون قرار می‌گیرد. در این خصوص آزمون لوین لین چو مورد توجه می‌باشد که نتایج در جدول (۵-۱) منعکس شده است:

جدول (۵-۱). نتایج آزمون ریشه واحد (پایایی) متغیرهای الگو

نام متغیر	مقدار آماره لوین لین چو	احتمال	نتیجه
شاخص درک فساد (Cpi _{it})	-۹.۸۲	۰.۰۰۰۰	ناپایایی در سطح ۱٪/زد می‌شود
سهم نسبی اشتغال زنان (Emfp _{it})	-۸.۶۱	۰.۰۰۰۰	ناپایایی در سطح ۱٪/زد می‌شود
باز بودن اقتصاد (Open _{it})	-۹.۶۸	۰.۰۰۰۰	ناپایایی در سطح ۱٪/زد می‌شود
تولید ناخالص داخلی سرانه (Dev _{it})	-۹.۹۲	۰.۰۰۰۰	ناپایایی در سطح ۱٪/زد می‌شود
حاکمیت قانون (Rul _{it})	-۷.۶۵	۰.۰۰۰۰	ناپایایی در سطح ۱٪/زد می‌شود

منبع: محاسبات تحقیق

با توجه به مقایسه مقادیر محاسبه شده با مقدار بحرانی جدول مشاهده می‌شود که تمام متغیرها در سطح پایا می‌باشند.

در روش داده‌های تابلویی لازم است که در ابتدا همگن یا ناهمگن بودن مقاطع (واحدها) مورد آزمون قرار گیرد. در صورتی که مقاطع همگن باشند می‌توان از روش حداقل مربعات تلفیقی (Pooled Least Squares: PLS) استفاده کرد، در غیر این صورت استفاده از روش اثرات ثابت (Fixed Effect) ضرورت دارد. برای آزمون چاو، ابتدا الگو اثرات ثابت زمانی، تخمین زده شده است. پس از برآورد الگو با اثرات ثابت می‌بایست آماره F لیمر محاسبه شود تا بتوان میان روش اثرات ثابت و حداقل مربعات تلفیقی قضاوت کرد. نتیجه محاسبات این آزمون در جدول شماره (۵-۲) آورده شده است که

جدول (۵-۲): نتایج آزمون چاو (F لیمر)

آزمون F لیمر	مقدار آماره	احتمال	نتیجه
آزمون F لیمر	۳۲.۳۳	۰.۰۰۰۰	تأیید روش داده‌های تابلویی در برابر داده‌های تلفیقی

منبع: محاسبات تحقیق

نشان‌دهنده‌ی تأیید اثرات ثابت در برابر روش حداقل مربعات تلفیقی می‌باشد. به بیان ساده‌تر منعکس‌کننده تأیید داده‌های تابلویی (Panel Data) با اثرات ثابت در برابر داده‌های تلفیقی می‌باشد همچنین برای تصمیم‌گیری در مورد به کار بردن روش اثرات ثابت یا اثرات تصادفی آزمون هاسمن (Hausman Test) مورد توجه می‌باشد که در جدول شماره (۳-۵) منعکس شده است.

جدول (۳-۵): نتایج آزمون هاسمن

نتیجه	احتمال	مقدار آماره	
تأیید الگو اثرات ثابت در برابر اثرات تصادفی	۰.۰۰۰۰	۲۵.۵۲	آزمون هاسمن

منبع: محاسبات تحقیق

به طوری که مشاهده می‌شود حاصل آزمون هاسمن تأیید اثرات ثابت در برابر اثرات تصادفی است. بنابراین الگو می‌بایست به روش اثرات ثابت تخمین زده شود که نتایج حاصل از برآورد الگو در جدول شماره (۴-۵) منظور شده است.

جدول (۴-۵): نتایج برآورد الگو

متغیر وابسته: شاخص درک فساد (Cpi_{it})				
آزمون‌های داده‌های تابلویی				متغیر مستقل (توضیحی)
احتمال	آماره t	انحراف معیار	مقدار ضرایب	
۰.۰۱۱۵	۲.۵۳	۰.۱۷	۰.۴۳	عرض از مبدا
۰.۰۵۹۱	۱.۸۹	۰.۳۲	۰.۶۱	سهم نسبی اشتغال زنان ($Emfp_{it}$)
۰.۰۰۰۰	-۶.۴۹	۰.۰۰۰۷	-۰.۰۰۴۷	باز بودن اقتصاد ($Open_{it}$)
۰.۰۰۰۰	۱۱.۴۵	۲.۳۰	۰.۰۰۰۰۲	تولید ناخالص داخلی سرانه (Dev_{it})
۰.۰۰۰۰	۳۱.۱۴	۰.۰۰۲۲	۰.۰۶۹	حاکمیت قانون (Rul_{it})
۲۶۶.۲۶				آماره F
۰.۰۰۰۰				احتمال (آماره F)
۰.۸۹				R2

منبع: محاسبات تحقیق

آماره F منظور در جدول شماره (۴-۵) بیانگر معنی داری رگرسیون می باشد و ضریب متغیر اشتغال زنان در سطح ۱۰ درصد معنی دار است. تفسیر ضرائب به شرح زیر است:

- علامت ضریب متغیر سهم نسبی اشتغال زنان ($Emfp_{it}$) در کل اشتغال بخش عمومی مثبت و معنی دار است. به طوری که یک درصد افزایش در سهم نسبی اشتغال زنان در بخش عمومی موجب ۰.۶۱ واحد افزایش در شاخص درک فساد می شود که بیانگر کاهش فساد است. بنابراین فرضیه پژوهش تأیید می شود.

- علامت ضریب متغیر درجه باز بودن اقتصاد ($Open_{it}$) منفی و معنی دار است. در واقع به ازای افزایش یک درصدی متغیر درجه باز بودن اقتصاد شاخص درک فساد به اندازه ۰.۰۰۴ واحد کاهش می یابد که بیانگر افزایش فساد است.

- علامت ضریب متغیر تولید ناخالص داخلی سرانه (Dev_{it}) مثبت و معنادار است که نشان می دهد به ازای یک میلیون دلار تغییر در متغیر تولید ناخالص داخلی سرانه، شاخص درک فساد به میزان ۰.۰۰۰۰۲ واحد در همان جهت تغییر می کند. در واقع با افزایش تولید ناخالص داخلی، فساد مالی کاهش می یابد. این نتیجه با مبانی نظری مطابقت دارد.

- در نهایت علامت ضریب متغیر حاکمیت قانون (Rul_{it}) مثبت و معنادار است. به طوری که با افزایش یک واحدی این متغیر، شاخص درک فساد به میزان ۰.۰۶۹ واحد افزایش می یابد که بیانگر کاهش فساد مالی است.

با توجه به آخرین داده های منتشر شده توسط پایگاه های اطلاعاتی می توان دوره زمانی مطالعه را تا سال ۲۰۱۴ گسترش داد لذا در جدول شماره (۵-۵) نتایج حاصل از تخمین الگو برای دوره ۲۰۱۴-۲۰۰۲ منعکس شده است. به طوریکه نتایج نشان می دهد کلیه متغیرهای توضیحی الگو معنادار و دارای علامت مشابه الگوی جدول (۴-۵) می باشد. به عبارت دیگر با افزایش سهم نسبی اشتغال زنان در کل اشتغال بخش عمومی فساد کاهش می یابد.

جدول (۵-۵): نتایج برآورد الگو

متغیر وابسته: شاخص درک فساد (Cpi_{it})			
آزمون های داده های تابلویی			متغیر مستقل (توضیحی)
احتمال	آماره t	انحراف معیار	
		مقدار ضرایب	

۰.۰۰۴۷	۲۸۳	۰.۱۶	۰.۴۶	عرض از مبدا
۰.۰۷۹۶	۱.۷۵	۰.۳۱	۰.۵۶	سهم نسبی اشتغال زنان ($Emfp_{it}$)
۰.۰۰۰۰	-۶.۶۸	۰.۰۰۰۷	-۰.۰۰۴۷	باز بودن اقتصاد ($Open_{it}$)
۰.۰۰۰۰	۱۱.۰۸	۰.۰۰۰۲	۰.۰۰۰۲	تولید ناخالص داخلی سرانه (Dev_{it})
۰.۰۰۰۰	۳۲.۱۵	۰.۰۰۲۱	۰.۰۶۹	حاکمیت قانون (Rul_{it})
۲۶۶.۱۴				آماره F
۰.۰۰۰۰				احتمال (آماره F)
۰.۸۹				R^2

منبع: محاسبات تحقیق

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در پژوهش حاضر با استفاده از داده‌های آماری ۴۵ کشور منتخب طی دو مقطع زمانی ۲۰۰۲-۲۰۱۴ و ۲۰۰۲-۲۰۱۳ تأثیر سهم نسبی اشتغال زنان در کل اشتغال بخش عمومی بر فساد مالی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل از برآورد الگوهای تحقیق به روش اثرات ثابت حکایت از آن دارد که با افزایش سهم نسبی اشتغال زنان در کل اشتغال بخش عمومی فساد مالی کاهش می‌یابد. این نتیجه به مفهوم تأیید فرضیه پژوهش می‌باشد. بنابراین می‌توان اذعان داشت که ایجاد فرصت‌های شغلی بیشتر برای زنان در بخش عمومی برای مقابله با فساد می‌تواند راهکار مناسبی به شمار آید. همچنین نتایج پژوهش حکایت از آن دارد که با افزایش تولید ناخالص داخلی سرانه و حاکمیت قانون فساد مالی در کشورهای منتخب کاهش می‌یابد و رابطه بین درجه باز بودن اقتصاد و فساد مالی مستقیم می‌باشد. این نتایج سازگار با حاصل مطالعات تجربی است.

پی‌نوشت

اسامی کشورهای منتخب به ترتیب حروف الفبا: آذربایجان، آلبانی، آلمان، اسپانیا، استونی، اسلواکی، اسلونی، اردن، اروگوئه، انگلستان، ایران، بلژیک، بلغارستان، بوتسوانا، پاراگوئه، پاناما، تایلند، ترکیه، ترینداد و تاباگو، رومانی، سوئد، سوئیس، شیلی، فنلاند، فیلیپین، قزاقستان، کاستاریکا، کانادا، کرواسی، کلمبیا، گرجستان، گینه، لتونی، لوکزامبورگ، لیتوانی، لهستان، مالزی، مجارستان، مراکش، مصر، مولداوی، نروژ، نیوزلند، هلند، یونان.

کتابنامه

- حبیبی، نادر (۱۳۷۵). فساد اداری (عوامل مؤثر و روش‌های مبارزه). تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی وثقی.
- جعفری صمیمی، احمد؛ حسینمردی، هانیه (۱۳۹۰). تأثیر جنسیت بر فساد مالی در کشورهای منتخب جهان. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه مازندران*.
- رهبر، فرهاد؛ میرزاوند، فضل‌الله و زال‌پور، غلامرضا (۱۳۸۱). بازشناسی عارضه فساد مالی (اهمیت، گونه‌ها، پیام‌ها و آموزه‌های تجربی). *جهاد دانشگاهی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، جلد اول*.
- ریاحی، محمد اسماعیل (۱۳۸۳). بررسی موانع اجتماعی-فرهنگی اشتغال زنان. مجموعه مقالات همایش موانع حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی. گروه پژوهشی آموزش و اشتغال زنان دانشگاه مازندران، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران.
- سامتی، مرتضی؛ شهنازی، روح‌الله و دهقانی شبانی، زهرا (۱۳۸۵). بررسی اثر آزادی اقتصادی بر فساد مالی. *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۲۸(۸): ۸۹-۱۱۰*.
- سفیری، خدیجه (۱۳۸۰). موانع و مشکلات اشتغال زنان و تأثیرات و پیامدهای آن. *نشریه کار و جامعه، ۳۹*.
- شربتیان، محمد حسن (۱۳۸۷). بررسی ابعاد و موانع اشتغال زنان. *بیک نور، ۷(۳): ۸۵-۹۵*.
- شقایقی شهری، وحید (۱۳۸۸). بررسی اثرات فساد مالی بر رشد اقتصادی و نابرابری درآمدی. *رساله دکتری تخصصی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس*.
- عسکری منش، حامد (۱۳۹۱). مقایسه اثر فساد مالی بر توسعه مالی در کشورهای عضو OPEC و کشورهای عضو OECD. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس*.
- فاضلی، محمد (۱۳۸۸). مقدمه‌ای بر سنجش فساد. مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی. ترجمه حسن چاوشیان، تهران، نشر نی.

- Alhassan Alogo, N. (2007). Gender and Corruption: Testing the New Consensus. *Public Administration and Development*, 27(3): 227- 237.
- Al-Marhubi.(2000). Corruption & inflation. *Economic letters*, 66: 199-202.
- Breen, M., Gillanders, R., McNulty, G and Suzuki, A. (2015). Gender and Corruption in business. *Helsinki Center of Economic Research*, Discussion Papers, 391.
- Del Monte, A., Papagni, E.(2001). Public expenditures corruption, and economic growth: the case of Italy. *European Journal of Political Economy*, 17: 1-16.
- Del Monte, A., Papagni, E. (2007). The determinants of corruption in Italy: Regional panel data analysis. *European Journal of Political Economy*, 27: 379-396.

- Dollar, D., Fisman, R. and Gatti, R. (2001). Are Woman Really the “Fairer” Sex? Corruption and Women in Government. *Journal of Economic Behavior and Organization*, 26(4): 423-429.
- Eric, M.(2008). Uslaner: Corruption, Inequality and the Rul of Low. *University of Maryland, Cambridge university press*.
- Evrensel, A.(2009). Corruption growth and growth Volatility. *International Review of Economics & Finance, United states*.
- Gupta, S., Davoodi, H. and Alonso-Terme, R.(1998). Does Corruption Affect Income Inequality and Poverty?. *IMF Working Paper*.
- Hillman, A.(2004). Corruption and public finance: an IMF Perspective. *Europen Journal of Political Economy*, 20: 1067-1077.
- Jafari Samimi. A. and Hosseinmardi, H. (2011). Gender and Corruption: Evidence from Selected Developing Countries. *Middle – East Journal of Scientific Research*, 9 (6): 718-727.
- Ko, K., Samajdar, A. (2010). Evaluation of International Corruption Indexes: Should We Believe Them or Not?. *The Social Science Journal*, 47: 508-540.
- Mauro, P.(1998). Corruption and the composition of government expenditure. *Journal of Public Economics*, 69: 263-279.
- Mishalova, J., Melnykovshka, I. (2009). Gender, Corruption and Sustainable Growth in Transition Ciuntries. *Journal of Applied Economic Science*, 4(3).
- Rivas, M. F. (2013). An Experiment on Corruption and Gender. *Bulletin of Economic Research*, 65(1): 10-42.
- Swaleheen, M. (2008). Corruption and Saving a panel of countries. *Journal of Macro economics*, 30: 1285-1301.
- Swamey, A., Knack, S. Lee , Y. and Afzar, O. (2001). Gender and Corruption. *Journal of Development Economics*, 64(1): 25-55.
- Tanzi, V. (1998). Corruption around the World: Causes, Consequences, Scope, and Cures International Monetary found. 45(4): 559-594.
- Tanzi, V., Davoodi, H. (2000). Corruption, Growth, and Public Finance. *International Monetary Fund*. IMF working paper.